

تنها ۱۴ درصد از کمک‌های مطلوب وارد غزه شده است



دولت غزه اعلام کرد که رژیم صهیونیستی تنها اجازه ورود ۱۴ درصد از کمک‌های مطلوب را در طول هشت روز به نوار غزه داده است.

به گزارش ایسنا، در بیانیه‌ای از دفتر رسانه‌ای دولت غزه آمده است: «از زمانی که لشنالاگر اسرائیلی از روز یکشنبه ۲۷ ژوئیه اعلام کرد که اجازه ورود کمک‌ها به نوار غزه را می‌دهد، از تقریباً ۴۸۰۰ کامیونی که قرار بود برای تأمین حداقل نیازهای بشردوستانه وارد نوار غزه شود، تنها ۶۷۴ کامیون در طول هشت روز وارد شده‌است.»

در این بیانیه آمده است: «بنابرین، میانگین روزانه از ۸۴ کامیون بیشتر نبوده است که تنها ۱۴ درصد از مقدار درخواستی است. این در حالی است که غارت و سرقت اکثر آنها به دلیل وضعیت هرج و مرج امنیتی ادامه دارد که به طور سیستماتیک توسط لشنالاگران نهادینه می‌شود و هدف آن، از بین بردن جامعه فلسطین و تضعیف مقاومت آن است.در بیانیه دولت غزه آمده‌است: «ما تأکید می‌کنیم که نیازهای واقعی روزانه نوار غزه، با توجه به فروپاشی کامل زیرساخت‌ها و جنگ نسل‌کشی مداوم توسط لشنالاگر، حداقل ۶۰۰ کامیون امداد و سوخت برای تأمین حداقل نیازهای زندگی در بخش‌های بهداشت، خدمات و غذا تخمین زده می‌شود.»این بیانیه «ادامه گرسنگی سیستماتیک، بسته شدن گذرگاه‌ها و جلوگیری از ورود شیر خشک و کمک‌های بشردوستانه» را محکوم کرده و ارتش رژیم لشنالاگر و متحدان بین‌المللی آن را کاملاً مسئول فاجعه انسانی رو به وخامتی دانست که بیش از ۷/۴میلیون نفر در نوار غزه با آن مواجه هستند.

دفتر رسانه‌ای دولت غزه خواستار اقدام مؤثر برای بازگشایی دائمی گذرگاه‌ها، تضمین انتقال غذا، کمک‌های پزشکی و شیر خشک و «پاسخگو کردن اسرائیل در قبال جنایتانش علیه غیرنظامیان بی‌دفاع، شد.

حماس:

سلاح مقاومت متعلق به ملت فلسطین است



عضو دفتر سیاسی جنبش حماس تأکید کرد که سلاح مقاومت متعلق به ملت فلسطین و گروه‌های مقاومت است و موضوعی ملی به شمار می‌رود. به گزارش ایسنا، «حسام بدران»، عضو دفتر سیاسی جنبش حماس روز دوشنبه در گفت‌وگو با شبکه الجزیره اعلام کرد تهدیدات رژیم صهیونیستی مبنی بر ترور رهبران حماس، چه در غزه و چه در خارج از آن، موضوعی تکراری و بی‌ارزش است و تأثیری بر تصمیمات این جنبش نداردوی با اشاره به سیاست‌های رژیم صهیونیستی، گفت: «ما با دولتی مواجه هستیم که به قانون پایبند نیست و گروه‌های جنایتکار را رهبری می‌کند. لشنالاگران همچنان به جنایات خود ادامه می‌دهند و هدف ما توقف جنگ و تجاوزات وحشیانه علیه ملت فلسطین است.»بدران افزود: «رژیم لشنالاگر پس از دستیابی به تفاهمات مورد توافق با میانجی‌ها، از مذاکرات اخیر عقب‌نشینی کرده است. در حال حاضر هیات مذاکره‌کننده‌ای وجود ندارد، اما ارتباطات ما با طرف‌های میانجی همچنان ادامه دارد. اکنون توپ در زمین لشنالاگران و آمریکایی‌هاست.»وی با اشاره به وضعیت مذاکرات تأکید کرد: «وینکاف و لشنالاگران با یکدیگر در حال مذاکره‌اند، اما هیچ پیشنهاد جدیدی مطرح نشده و آنچه اخیراً به آن دست یافته‌ایم، منطقی بوده است.»

بدران در ادامه خاطرنشان کرد: «سلاح مقاومت متعلق به ملت فلسطین و گروه‌های مقاومت است و موضوعی ملی به شمار می‌رود، نه صرفاً مربوط به حماس. اگر کشوری مستقل با مقاومت کامل در اختیار فلسطینیان قرار گیرد، سلاح مقاومت بخشی از ساختار نظامی آن کشور خواهد بود.»و با اشاره به برخی روایت‌سازی‌ها افزود: «موضوع سلاح مقاومت بهانه‌ای برای انحراف افکار عمومی از تحولات کرانه باختری و جنایات شهرک‌نشینان است. مشکل اصلی نه سلاح مقاومت، بلکه ادامه لشنالگری و عدم برخورداری فلسطینیان از کشور مستقل خود است.» عضو دفتر سیاسی حماس در بخش دیگری از سخنانش گفت: «حماس به دنبال بازسازی ساختار داخلی فلسطین بر پایه دموکراسی و توافق ملی بدون پیش‌شرط است. مسیر اسلو شکست خورده و به رسمیت شناختن لشنالاگران یک جنایت محسوب می‌شود.» او تأکید کرد: «ملت فلسطین باید حق انتخاب رهبران خود را داشته باشد و ما از هرگونه تلاش عربی و منطقه‌ای برای تحقق آشتی ملی استقبال می‌کنیم.» بدران در پایان وضعیت انسانی در غزه را فاجعه‌بار توصیف کرد و افزود: «هیچ توجیهی برای جنایات رژیم لشنالاگر وجود ندارد. لویولت ما توقف جنگ و جلوگیری از خونریزی بیشتر در غزه است. با وجود انتقادات برخی کشورهای عربی، بر روایت مستحکم با آنان تأکید داریم و از تلاش‌های آن‌ها قدردانی می‌کنیم.»

بین الملل

میانجی گری بدون اروپا؛ نقش آفرینی تازه کشور های عربی درباره ایران و آمریکا



نظام ایران سخن می‌گوید. از سوی دیگر، حملات بی‌رویه اسرائیل به سوریه، لبنان، یمن و حتی اشاراتی به اشغال دائم برخی مناطق سوریه، نشانگر گسترش طلبی بی‌مهار تل آویو است.»

فارن افرز تأکید می‌کند: «اکنون کشورهای عربی خلیج فارس از قطر و عمان تا عربستان و امارات تنها بازیگران باقی‌مانده‌ای هستند که می‌توانند در جایگاه میانجی عمل کرده و توافقی میان تهران و واشنگتن رقم بزنند. نقش دوحه در پایان جنگ و جذب واکنش ایران، اعتبار آن را در تهران افزایش داده؛ عمان نیز همواره کانالی مطمئن بوده و عربستان با نفوذ خود در واشنگتن، می‌تواند بازی را هدایت کند.»

با این وجود، نشریه آمریکایی با اشاره به بدعهدی مکرر ترامپ امید بسته بودند که با فشار بر نتانیاهو و پیگیری مذاکرات هسته‌ای، به ثبات منطقه کمک کند و آن‌ها با جنگ علیه ایران مخالف بودند. در آغاز نیز چنین به نظر می‌رسید؛

ترامپ در توقف حملات غزه، مذاکرات با ایران و آتش بس با حوثی‌ها نقش داشت. اما پس از حملات به ایران، همه این امیدها نقش بر آب شد. بر خلاف امیدها، کاخ سفید باز هم در کنترل اسرائیل ناکام ماند و کشورهای منطقه دریافتند که نمی‌توان روی حمایت بی‌قید و شرط آمریکا حساب باز کرد و این کشور را شریک قابل اعتمادی نمی‌دانند.»

جنگ، سیاست را سخت تر می کند

با وجود ادعای ترامپ و مقامات رژیم صهیونیستی مبنی بر ضربه خوردن ایران، به ادعان فارن افرز، جنگ تحمیلی ۱۲ روزه، «ایران را به سمت تقویت برنامه هسته‌ای سوق داده و احتمالاً به افزایش فعالیت‌های موشکی و کاهش همکاری با آژانس منجر خواهد شد. تهدید به بستن تنگه هرمز، حمله به زیرساخت‌های انرژی یا پایگاه‌های آمریکا از دیگر گزینه‌های روی میز ایران هستند.»

از نظر این نشریه، رژیم صهیونیستی نیز ممکن است با توسل به الگوی تهاجمی اخیر خود، بیش از پیش به اقدامات نظامی بدون ملاحظه حقوقی متوسل شود.

در چنین شرایطی، فارن افرز تأکید می‌کند که کشورهای خلیج فارس، با توجه به رولایت ویژه با ایران و آمریکا، تنها گزینه باقی‌مانده برای میانجی‌گری واقعی هستند. نقش عمان، قطر و عربستان در این میان برجسته‌تر است.

در این گزارش آمده است: «با وجود دشواری‌های زیاد، تلاش کشورهای عربی خلیج فارس برای ایجاد توافقی تازه میان تهران و واشنگتن، شاید تنها راه نجات از چرخه جنگ و ناامنی در منطقه باشد.»

گزارش فارن افرز درحالی است که تهران نیز بارها تأکید کرده است که در صورت احترام به حقوق و امنیت ملی خود، آماده گفت‌وگوهای منطقه‌ای و دستیابی به تفاهمی پایدار برای پایان دادن به تنش‌هاست.

جمهوری اسلامی ایران، برخلاف تصویرسازی برخی محافل غربی، در پی توسعه‌طلبی نیست بلکه خواهان نظم‌ی منطقه‌ای مبتنی بر همکاری، عدم مداخله خارجی و تضمین امنیت جمعی است.

در چنین چارچوبی، نقش آفرینی کشورهای عربی حاشیه خلیج فارس می‌تواند مسیر دیپلماسی منطقه‌ای را هموار کند.

تلاش برای به رسمیت شناختن کشور فلسطین در حد یک نامه؛ بازی نخ نمای ۱۲ نماینده کنگره

دولت‌های آنها اعلام کرده است که قصد دارد فلسطین را به رسمیت بشناسد.

به گزارش ایرنا، پیشتر چاک شومر رهبر اقلیت سنای آمریکا و دهها سناتور دموکرات دیگر روز سه‌شنبه به وقت محلی در نامه‌ای به مارکو روبیو وزیر امور خارجه و استیو وینکاف فرستاده ویژه آمریکا در امور خاورمیانه خواستار گسترش کمک‌های بشردوستانه در غزه و ادامه تلاش‌های دیپلماتیک برای پایان دادن به جنگ شدند.

در این نامه آمده است که «اکنون زمان بازگرداندن گروگان‌ها به خانه‌است» و افزودند که «بحران حاد بشردوستانه در غزه نیاز ناپایدار است و روز به روز بدتر می‌شود.»

آنها افزودند: «برای جلوگیری از بدتر شدن اوضاع، از شما می‌خواهیم که از گسترش گسترده کمک‌ها و خدمات بشردوستانه در سراسر نوار غزه، از جمله از طریق استفاده از نهادهای چندجانبه باتجربه و سازمان‌های مردم‌نهاد که می‌توانند کمک‌های حیاتی را مستقیماً به نیازمندان برسانند و از انحراف آنها جلوگیری کنند، حمایت کنید.» به گزارش سی ان ان، ۴۰ سناتوری که این نامه را امضا کردند، همچنین تصریح کردند که با هرگونه تلاشی برای بیرون راندن فلسطینی‌ها از خانه‌هایشان مخالف هستند.

فرانسه، انگلیس و کانادا آخرین کشورهای غربی هستند که



رئیس‌جمهور فرانسه مبنی بر به رسمیت شناختن کشور فلسطین در نشست آتی سازمان ملل، دولت آمریکا را نیز به اتخاذ موضع مشابهی ترغیب کرده‌اند.

این نامه در شرایطی منتشر می‌شود که هرچند کمک‌های آمریکا به اسرائیل و ارسال سلاح و مهمات به سرزمین‌های لشغالی برای کشتار مردم فلسطین ادامه دارد ولی موجی در بین کشورهای غربی برای به رسمیت شناختن فلسطین نیز ایجاد شده است.

فرانسه، انگلیس و کانادا آخرین کشورهای غربی هستند که

چهارشنبه ۱۵ مرداد۱۴۰۴ / شماره ۶۸۶۴ / سال سی ویکم نورخوستان ۷

تحلیلگر آمریکایی:

به انگیزه اروپا درباره کشور فلسطین بدبینم



«دنیل لازار» نویسنده و تحلیلگر آمریکایی درباره طرح برخی کشورهای اروپایی برای به رسمیت شناختن کشور مستقل فلسطینی در ماه سپتامبر (شهریور/مهر) در مجمع عمومی سازمان ملل گفت که به انگیزه اروپا در این باره بدبین است زیرا این طرح هیچ فایده ای نخواهد داشت و فلسطینی‌ها در آستانه نابودی هستند.

این تحلیلگر مسایل سیاسی و بین المللی آمریکا در گفت و گوی اختصاصی با خبرنگار ایرنا افزود: چارچوب سیاست‌های بین‌المللی آمریکا و اروپا یکسان است. هدف این چارچوب نابودی ایده کشور فلسطین است با این فرض که فلسطینی‌ها به صورت دسته جمعی اخراج نشوند.

دنیل لازار (Daniel Lazare) تحلیلگر مسایل سیاسی و بین المللی و روزنامه نگار مستقل است که برای تارندهای سیاسی و مجلات مختلف در آمریکا می نویسد و تاکنون سه کتاب درباره مسایل سیاست داخلی و خارجی آمریکا منتشر کرده‌است.

«جنگ های اعلام نشده آمریکا»، «کودتای مخملی» و «جمهوری در انجماد کتاب‌هایی هستند که او نوشته است. مشروح مصاحبه با این تحلیلگر و روزنامه نگار آمریکایی به شرح زیر است:

سوال: برخی کشورهای اروپایی در پی اجلاس بین المللی فلسطین در سازمان ملل اعلام کرده‌اند که کشور فلسطین را در ماه سپتامبر به رسمیت خواهند شناخت. به نظر شما این اقدام کشورهای اروپایی تا چه اندازه مستقل و واقعی است؟

دنیل لازار: به شدت نسبت به انگیزه‌های اروپایی‌ها را بدبین هستم. معتقدم تلاش برای به رسمیت شناختن کشور فلسطین به دو دلیل عجیب و غریب است: نخست اینکه هیچ فایده‌ای نخواهد دلشت زیرا فلسطینی‌ها در آستانه نابودی هستند و دوم، نتیجه هر چه باشد، تقریباً همه اروپایی‌ها با هر تصمیمی که آمریکا و اسرائیل بگیرند، همراه خواهند شد.

سوال: با توجه به حمایت‌های همه جانبه آمریکا از اسرائیل، تصمیم اروپا برای به رسمیت شناختن فلسطین را چگونه می‌توان در چارچوب سیاست‌های بین‌المللی آمریکا و اروپا تبیین کرد؟ آیا واشنگتن اروپا را در این مسیر همراهی خواهد کرد یا اینکه این طرح بدون هیچ دستاوردی و صرفاً در حد حرف و شعار باقی خواهد ماند؟

دنیل لازار: احساس من در مورد «چارچوب سیاست‌های بین‌المللی آمریکا و اروپا» یکسان است. هدف این چارچوب، نابودی ایده کشور فلسطین است با این فرض که فلسطینی‌ها به صورت دسته جمعی اخراج نشوند.

سوال: برخی کارشناسان و تحلیلگران این طرح را یک «بازی و فریب» و به نفع اسرائیل می‌دانند تا مردم فلسطین، نظر شما چیست؟

دنیل لازار: کاملاً موافقم که این یک «بازی و فریب» و به نفع اسرائیل است و به مردم فلسطین نفعی نمی‌رساند. اما هدف صرفاً فریب دادن فلسطینی‌ها نیست. این فریب دادن همه کسانی است که در جهان به دنبال یک راه حل عادلانه و منصفانه برای این درگیری هستند.

سوال: آیا به رسمیت شناختن کشور مستقل فلسطین توسط برخی کشورهای اروپایی می‌تواند به توقف جنگ و کشتار در غزه کمک کند؟ زیرا برخی کشورها از جمله انگلیس، به رسمیت شناختن کشور فلسطین را منوط به شرطی کرده و اعلام دلشته‌اند که برای فشار به اسرائیل و رسیدن به آتش بس اعلام کرده‌اند. نظر شما چیست و لطفاً دلایل خود را شرح دهید.

دنیل لازار: فکر می‌کنم این روند، هیچ روند هیچ تأثیری در متوقف کردن جنگ دلشته باشد. هدف اسرائیل، نابودی حماس به هر قیمتی به عنوان یک نیروی نظامی است. فکر نمی‌کنم اسرائیل قبل از ۱۲تیر قصدی برای پاکسازی قومی در غزه داشته اما پس از حدود ۲۲ ماه جنگ، اکنون در حال آماده شدن برای اخراج فلسطینی‌ها از تمام غزه یا صرفاً متمرکز کردن آنها در منتهی‌الیه جنوب است تا بتواند جنگ بی‌وقه‌ای را علیه حماس در سایر نقاط نوار غزه آغاز کند. این به معنای قرار دادن بیش از دو میلیون نفر در شرایط اردوگاه‌های کار اجباری خواهد بود. این امر به حمایت آمریکا نیاز دارد که مطمئن هستم در آینده نزدیک انجام خواهد شد.

سوال: تحلیل شما از تأثیر مواضع کشورهای عربی و تحولات منطقه‌ای در روند به رسمیت شناختن فلسطین چیست؟

دنیل لازار: کشورهای عربی هیچ کاری نکرده‌اند و در واکنش به این شرایط هیچ کاری نخواهند کرد. لبنان ورشکسته است و سوریه به عنوان شاخه‌ای از قاعده اداره می‌شود که به شدت به دنبال صلح با آمریکا و جلوگیری از رویارویی با اسرائیل است. مصر نیز هیبنتهور است؛ فقط می‌خواهد که حوثی‌ها (انصارالله یمن) از دخالت در حمل و نقل دریای سرخ دست بردارند تا درآمد کانال سوئز افزایش یابد. عراق یک دولت وابسته است و پادشاهی‌های نفتی آنقدر مشغول معاملات تجاری با خانواده ترامپ هستند که به مساله فلسطین اهمیتی نمی‌دهند.

و در پایان از این تحلیلگر سیاسی و بین المللی سوال شد: به نظر شما، چه اقداماتی باید توسط جامعه جهانی انجام شود تا بتوان هر چه زودتر به یک راه‌حل پایدار برای مناقشه فلسطین رسید؟

دنیل لازار: جامعه بین‌المللی هیچ اقدامی نمی‌تواند انجام دهد زیرا خود این مفهوم یک تناقض است.

کنفرانس سه روزه بین المللی عالی‌رتبه برای حل و فصل مسالمت آمیز مساله فلسطین و اجرای راه کار دو دولتی و تشکیل کشور مستقل فلسطین با حضور ۱۲۵ کشور به ریاست مشترک عربستان و فرانسه از ۶ تا ۸ مرداد ماه (۲۸ تا و ۳۰ جولای) در مقر سازمان ملل برگزار شد اما اسرائیل مسبب اصلی این مناقشه و نیز آمریکا بزرگترین حامی او حضور نیافتند.

طرح به رسمیت شناختن فلسطین از سوی اروپا، از نگاه برخی کارشناسان و تحلیلگران نمی‌تواند طرحی مستقل باشد و تجارب تاریخی از دنباله‌روی بروکسل نسبت به سیاست‌های واشنگتن حکایت می‌کند.